



برنامه هدفمندی برای آماده کردن جوانان برای زندگی مشترک وجود ندارد

بی‌مسئولیتی، طلاق عاطفی، دخالت اطرافیان، کمبود مهارت‌های زندگی و اعتیاد از مسائل عمده‌ای است که این روزها زندگی جوانان را با چالش رو به رو کرده؛ مشکلاتی که تحکیم خانواده را نشانه رفته و سبب شده 50 درصد ازدواج‌ها در پنج سال اول زندگی مشترک به طلاق ختم شود.

بی‌مسئولیتی، طلاق عاطفی، دخالت اطرافیان، کمبود مهارت‌های زندگی و اعتیاد از مسائل عمده‌ای است که این روزها زندگی جوانان را با چالش رو به رو کرده؛ مشکلاتی که تحکیم خانواده را نشانه رفته و سبب شده 50 درصد ازدواج‌ها در پنج سال اول زندگی مشترک به طلاق ختم شود.

به گزارش سلامت نیوز به نقل از روزنامه جام جم، نکته اینجاست که دراین بین نمی‌توان فقط جوانان را مقصر دانست؛ زیرا برنامه‌های والدین، اولیای مدارس و مسئولان دانشگاه نیز برای آماده شدن جوانان برای زندگی هدفمند نیست، به همین دلیل زمینه برای شکست جوانان فراهم شده و بسیاری از آنها به محض برداشته شدن چترهای کوچک حمایتی، در گود زندگی ضربه فنی می‌شوند.

جوانان برای زندگی آماده نبوده و آماده نیز نمی‌شوند، این حقیقت تلخی است که خانواده‌ها، مدارس و دانشگاه‌ها نمی‌توانند از زیربار مسئولیت آن شانه خالی کنند؛ زیرا به طور قطع می‌توان گفت آنها چیزی برای رفع این نیاز جوانان در چنته ندارند. برای نمونه این روزها پدران آنچنان سرگرم تهیه وسایل رفاهی شده‌اند که از تربیت و پرورش خانواده‌های خود غفلت می‌کنند. به زبان ساده‌تر می‌توان گفت برای پدران و برخی مادرانی که وظیفه تامین نیازهای فرزندان را به عهده دارند تهیه خانه و ویلا، خودرو و گوشی همراه آخرین مدل اولویت اول است و آنها کمتر برای کارآموزده شدن و توانا شدن نسل آینده تلاش می‌کنند.

نکته اینجاست که والدین آن قدر دغدغه دارند که از نیازهای آموزشی فرزندان خود غافل شده و تمام امیدشان به مدارس و دانشگاه‌هاست؛ مراکزی که در راه تحقق این هدف از خانواده‌ها اگر عقب نباشند جلوتر نیستند.

این درحالی است که باید یاد آور شد برخی خانواده‌ها به حدی درحمایت از فرزندان خود افراط می‌کنند که دیگر کنترلی روی فرزندان خود ندارند، بنابراین هرگونه رفتار درست آنها نیز از سوی فرزندان دخالت در زندگی تلقی شده و می‌توان اعتراف کرد زمام زندگی به این شکل از دست جوانان و والدین رها شده است.

مریم نجابتیان، مدیر گروه مشاوره وزارت ورزش و جوانان باره می‌گوید: در گذشته خانواده‌ها نقش زیادی درهدایت فرزندان خود به عهده داشتند؛ اما این روزها نقش خانواده‌ها کمرنگ شده است.

این درحالی است که مهارت آموزی جوانان برای خانواده‌ها باید در اولویت قرار گیرد سپس به فکر بالابردن سطح رفاه فرزندان خود باشند.

تحکیم خانواده با نسل ناز پرورده

با توجه به آموزش‌هایی که از سوی نهادهای مختلف در اختیار جوانان قرار می‌گیرد نباید انتظار داشت تحکیم خانواده در کشور با چالش رو به رو نشود و آمار طلاق و ازدواج‌های ناموفق در کشور رشد نکند. محمدباقر عبادی، عضو کمیسیون آموزش و تحقیقات مجلس نیز در گفت‌وگو با جام‌جم می‌افزاید: سبک زندگی به صورت شایسته به دانش آموزان تعلیم داده نمی‌شود؛ چون بیشتر جوانان یاد نگرفته‌اند برای آینده خود برنامه ریزی کنند، به همین دلیل خیلی زود به مشکل بر می‌خورند.

وی به نقش خانواده‌ها در شکست‌های جوانان اشاره و اظهار می‌کند: اکنون در جامعه با این چالش رو به رو هستیم که خانواده‌ها فرزندان خود را ناپرووده بار می‌آورند، به این شکل که والدین تمام کارهای فرزندان را انجام داده و تاکید دارند که بچه‌ها فقط درس بخوانند.

البته باید یادآور شد آموزش‌ها به گونه‌ای باشد که وقتی فرد به 18 سالگی رسید احساس مسئولیت کرده و در خانواده وظایفی را به عهده بگیرد؛ اما متأسفانه کم نیستند افرادی که از 30 سالگی عبور کرده‌اند، اما هنوز از والدین خود پول توجیبی می‌گیرند.

افزون براین باید تاکید کرد مدارس و دانشگاه‌ها نیز بیشتر روی مسائل درسی تکیه دارند؛ دروسی که خیلی کم جوانان را برای زندگی آماده می‌کنند. باید اعتراف کرد نظام آموزش کشور، جوانان را برای زندگی آینده تربیت نمی‌کند.

واقعیت اینجاست که در گذشته تربیت جوانان از سوی مدارس و خانواده‌ها انجام می‌شد، اما اکنون تربیت جوانان از سوی شبکه‌های اجتماعی و محیط‌های بیرون از خانواده، مدارس و دانشگاه‌ها صورت می‌گیرد. درواقع این اختیار از پدر و مادر و اولیای مدارس گرفته شده و آنها کنترلی روی آموزش و تربیت کودکان ندارند. دلیل این اتفاق را می‌توان این نکته دانست که والدین و اولیای مدارس همگام با فناوری نتوانسته‌اند خود را بالا بکشند؛ بنابراین آموزه‌هایی که تا دیروز کارساز بود، امروز کارگر نیست.

شبکه‌های اجتماعی، جایگزین خانواده

نکته اینجاست که اکنون جوانان بیشتر اطلاعات و مهارت‌های خود را در فضای مجازی به دست می‌آورند، اما چون اطلاعات درستی در اختیارشان قرار نمی‌گیرد نمی‌توانند مسائل و مشکلات خود را بدرستی رفع کنند. این درحالی است که تا مدتی قبل که زندگی محله‌محور بود، بیشتر جوانان مهارت‌های لازم را به شکل بومی از افرادی یاد می‌گرفتند که در محله شناخته شده بودند و برایشان موفقیت جوانان مهم بود.

غلامرضا قاسمی‌کبریا، مدرس دانشگاه و کارشناس روابط انسانی نیز دراین باره به جام‌جم می‌گوید: باید فضای مجازی را به محیطی برای همگرایی تبدیل کنیم؛ زیرا گروه‌های جوان به جای محله‌های گذشته در فضاهای مجازی شکل گرفته‌اند و متأسفانه شخص آگاهی نیز در این گروه‌ها حضور ندارد تا جوانان را راهنمایی کند.

باید تاکید کرد والدین، معلمان و استادان دانشگاه در کنار جوانان در این گروه‌ها قرار گرفته تا از ظرفیت این شبکه‌ها برای مهارت‌آموزی به جوانان نهایت استفاده را ببرند.

خانواده‌ها جمع نیستند

نکته دیگری که باید به آن توجه داشت این است که خانواده‌های ایرانی اکنون وضع خوبی ندارند، چون ارتباطات اجتماعی در آنها بشدت کاهش یافته است. برای نمونه اکنون بسیاری از کودکان برخی از بستگان درجه یک و دو خود را نمی‌شناسند چون با آنها ارتباطی ندارند.

بنابراین می‌توان گفت عامل پیوند گروهی در جامعه کنونی ایران آسیب دیده و مدیریتی نیز برای بهبود شرایط وجود ندارد.

بنابراین تحکیم خانواده امری رویایی به نظر می‌رسد، نکته اینجاست که در مدارس و دانشگاه نیز اوضاع مناسبی حاکم نیست؛ چون جوانان و نوجوانان ترجیح می‌دهند به جای این که از معلم یا استاد خود بیاموزند، از همسن و سالان خود فرا می‌گیرند. زیرا مدارس و دانشگاه‌ها نیز دیگر محلی برای همگرایی نیستند. در چنین شرایطی کودک، نوجوان و جوان تمام آموزش‌های لازم را از گروه همسالان خود و افرادی می‌گیرد که تجربه و اطلاعات درست در اختیار ندارند، به همین دلیل مهارت لازم را برای حل مشکلات خود به دست نمی‌آورند.

دست خالی اقتصاد و فرهنگ

بیکاری و بی‌توجهی به برنامه‌های فرهنگی را نیز باید از مشکلات عمده جوانان به حساب آورد که زندگی مشترک آنها را تهدید می‌کند. در واقع جوانان برای حل این مشکلات نیز آن طور که باید و شاید آموزش نمی‌بینند؛ به همین دلیل در پیدا کردن شغل و کسب درآمد به مشکل برخوردیده یا در زندگی مشترک گرفتار چشم و همچشمی شده و زندگی مشترک خود را به سمت پرتگاه طلاق سوق می‌دهند.

محمود عسگری، معاون مجتمع قضایی صدر و قاضی پیشین دادگاه خانواده عنوان می‌کند: چون برنامه‌ای برای مهارت‌آموزی جوانان وجود ندارد اغلب آنها تصور می‌کنند زمانی که به بلوغ جسمی می‌رسند، می‌توانند تشکیل خانواده بدهند، اما جامعه باید

شرایطی ایجاد کند تا جوانان همزمان با بلوغ جسمی به بلوغ اجتماعی و اقتصادی نیز برسند. نبود این شرایط سبب شده این روزها جوانان بسادگی ازدواج کنند و به همان سادگی نیز طلاق بگیرند.

آرش دولتشاهی، وکیل دادگاه خانواده نیز عنوان می‌کند: با توجه به پرونده‌هایی که بررسی کرده‌ام می‌توان گفت 90 درصد طلاق‌ها ریشه در مشکلات مالی دارد، نکته اینجاست که اگر مشکلات مالی برطرف شود عوامل دیگر طلاق براحتی حل می‌شود.

این درحالی است که باید یادآور شد نظام آموزشی کشور نیز به شکلی نیست که با مهارت‌آموزی، جوانان را برای کسب درآمد و پیدا کردن شغل مناسب آماده کند. در واقع اکنون خانواده و جوانان تصور می‌کنند پیش شرط یافتن شغل مناسب داشتن تحصیلات عالی است، اما این طرز فکر فقط سبب شده تعداد تحصیلکرده‌های بیکار در کشورمان به بیش از 40 درصد برسد و آنها پس از ازدواج نیز به کمتر از پشت میزنشینی راضی نشوند.

بنابراین باید تاکید کرد تاکنون حمایت‌های دولت برای تحکیم و تشکیل خانواده فقط در سه میلیون تومان وام ازدواجی خلاصه شده که هنوز بسیاری از جوانان در صف دریافت آن هستند؛ این درحالی است که بیش از 11 میلیون جوان مجرد زیر 30 سال در کشور وجود دارد که مسئولان فقط آنها را تشویق به تشکیل خانواده می‌کنند بدون این که برنامه‌ای برای آموزش آنها داشته باشند. بنابراین باید هشدار داد چنانچه برنامه هدفمندی برای آموزش مهارت‌های زندگی به جوانان در کشور اجرا نشود، درآینده جامعه آسیب بیشتری در بحث تحکیم خانواده خواهد دید.

کارشناسان چه می‌گویند

مریم نجابتیان، مدیر گروه مشاوره وزارت ورزش و جوانان: مهارت آموزی جوانان برای خانواده ها باید در اولویت قرار گیرد و پس از آن باید به فکر سطح رفاه فرزندانمان باشند.

محمدباقر عبادی، عضو کمیسیون آموزش و تحقیقات مجلس: بیشتر جوانان یاد نگرفته‌اند برای آینده خود برنامه ریزی کنند به همین دلیل خیلی زود به مشکل برمی‌خورند.

غلامرضا قاسمی‌کبریا، مدرس دانشگاه و کارشناس روابط اجتماعی: خانواده‌های ایرانی اکنون وضع خوبی ندارند، چون ارتباطات اجتماعی در آنها بشدت کاهش یافته است.

محمود عسگری، معاون مجتمع قضایی صدر و قاضی پیشین دادگاه خانواده: اغلب جوانان تصور می‌کنند زمانی که به بلوغ جسمی می‌رسند، می‌توانند تشکیل خانواده بدهند، اما جامعه باید شرایطی ایجاد کند تا جوانان همزمان با بلوغ جسمی به بلوغ اجتماعی و اقتصادی نیز برسند